

شهروندان منطقه ۱۲ از کوچک گرفته تا بزرگ لحظات پرنشاطی را در فضای سپیدپوش محله تجربه کردند

مسافران شبانه خط ۱۲



ایستگاه
اول



اوایل که اینجا آمده بودیم، به خاطر دوری از حرم خیلی ناراحت بودم. اما بعدها شنیدم ایستگاه خط ۱۲ در مسیر حرم تا وکیل آباد، تنها اتوبوس شبانه روزی شهر، نزدیک خانه ماست. من بارها سحرها را از این ایستگاه، راهی حرم شده‌ام و چه سحرهایی که منتظر اتوبوس بوده‌ام.

فاطمه سیرجانی اوایل دهه ۷۰ بود که خانواده زهراخانم از محله پایین خیابان به محله آزاد شهر نقل مکان کردند؛ محله‌ای آرام که از ترافیک و شلوغی‌های دور و اطراف حرم به دور بود. زهرا فاطمی از روزهایی یادش می‌آید که همسایه‌های محله از او ماه رجب تا پانزدهم ماه، هر سحر با اتوبوس راهی حرم امام رضا^(ع) می‌شدند و این بهترین تفریح و زیارت بانوان محله بود. این بانوی ساله معتقد است در روزگاری که محله نوپا بود و مشکلات هم کم نداشت، این مردم بودند که با همدلی و همراهی در امور زندگی، به حال خوب اهالی کمک می‌کردند. در محله‌گردی ما با این بانو، او خاطرات مختلفی از محله بیان می‌کند.

ایستگاه
دوم

مسجد غدیر با باغی را آقای درویش ساخت. یادم است وقتی برای سرکشی به پروژه می‌آمد، خیلی‌ها می‌خواستند با اندک کمکی، به اندازه خود در این کار سهیم شوند، اما آقای درویش سنگ تمام گذاشته بود و هیچ کمبودی از نظر مالی نبود.



ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

این قرآن وجه مشترک همسایگی من با ۲۵ نفر از بانوان محله است. از زمانی که دوره قرآن محلی را شروع کردیم همه از این نوع قرآن تهیه کردیم و هنوز آن را داریم.



ایستگاه
پنجم



اوایلی که به اینجا آمده بودیم، مغازه لبنیاتی دوروبر مان بود. شنیده بودیم چند کوچه بالاتر، خانواده محمودی از روستا شیر تازه می‌آورند. از ساعت ۸:۳۰ صبح در خیابان شیخ مفید برای سفارش شیر جلو خانه معصومه خانم به صف می‌شدیم.

ایستگاه
ششم



دریاچه پارک ملت و تماشای مرغابی‌های بهانه نوه‌ها بود تا هفته‌ای یک بار، فلاسک چای وزیرانداز و سبدمیوه و تخمه را زیر بغل بزنیم و با چند تا از همسایه‌ها پای پیاده تا چهارراه آزاد شهر و پارک ملت برویم.

خانم رقیه بهشتی، جزو اولین ساکنان کوچه ماست. اولین آشنایی ما در مسجد محله بود و بارها و بارها در سفرهای سیاحتی زیارتی همسفر شدیم و کلی خاطره و عکس یادگاری باهم داریم.

